

احکام و آثار فقهی جنون آنی از دیدگاه مذاهب اسلامی

نعمت الله فایز^۱، محمود ویسی^۲

^۱ دانشجوی: کارشناسی ارشد، رشته فقه مقارن و حقوق جزای اسلامی، دانشگاه مذاهب اسلامی.

^۲ عضو هیئت علمی دانشگاه مذاهب اسلامی، واحد تهران.

نویسنده مسئول:

نعمت الله فایز

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و تحقیقات میان رشته ای (سال هفتم)
شماره ۲۴ / تابستان ۱۴۰۰ / ص ۴۴-۴۸

چکیده

امروزه با پیشرفت علوم روانشناسی و روان پزشکی، اختلالات روانی در طیف های وسیعی مورد تعریف و مطالعه قرار می گیرند که بعضاً تطبیق آن ها با موارد گذشته، دشوار و گاه ناصحیح می نماید و در نتیجه ممکن است بیان احکام فقهی را با چالش های مواجه سازد، یکی از این موارد بدون تردید جنون است. با وجود آنکه در متون فقهی قدما از جنون اطلاق و ادواری سخن به میان آمده و ضوابطی برای تشخیص آن ها بیان شده است؛ اما به نظر می رسد با توجه به قلت دانش در گذشته در مورد جنون و انواع آن و نیز نشانه ها و مصادیق آن، بررسی و باز پژوهشی این مسأله با توجه به یافته های جدید، ضروری باشد. این پژوهش با توجه به یافته های نوین علوم روان پزشکی و روانشناسی به بررسی حکم فقهی جنون آنی از حیث مسئولیت کیفری جانی می پردازد. در پژوهش حاضر با استفاده از منابع کتابخانه ای مبتنی بر شیوه توصیفی و تحلیلی انجام یافته است؛ یافته ها و نتایج به دست آمده این پژوهش، نشان می دهد که عاقل بودن یکی از شرایط عامه تکلیف است، در صورت فقدان آن، باعث رفع مسئولیت کیفری و به تبع رفع مجازات از مرتکب مجنون بزه کار می شود، در باب مجازات حدی و تعزیری نیز همین بحث مطرح است که جنون آنی باعث سقوط آن مجازات می شود؛ بین جنون (اطبائی، ادواری و آنی) در حکم فرقی وجود ندارد و تفاوت بین آنها در دوام و استمرار است. پس اجرای مجازات حدی و تعزیری مستلزم وجود شرط (عقل) بر مرتکب است، در صورت نبود آن، باعث رفع مسئولیت کیفری و همچنین باعث رفع مجازات حدی و غیر حدی از مرتکب جرم می شود؛ با این تفکیک، اگر حالت دیوانه مقطعی توسط متخصص خطرناک ثابت شود و آزاد بودن وی محل نظم و امنیت عمومی تلقی شود، به دستور دادستان تا رفع حالت خطرناک در محل مناسب نگهداری می شود، دیه و کفاره جنایت وی را، عاقله وی عهده دار است.

واژگان کلیدی: احکام و آثار، فقهی، جنون آنی، از دیدگاه مذاهب اسلامی.

مقدمه

یکی از مباحث مهم در حوزه‌ی فقه اسلامی بحث مسئولیت کیفری مجنون بزه‌کار است. از منظر علم روان‌پزشکی اختلال روانی که منجر به توهم و هذیان باشد، معادل جنون در فقه اسلامی است. جنون از ریشه «جن» به معنای پوشیده و پنهان شدن، شیدایی و دیوانگی می‌باشد و در اصطلاح به معنای زوال عقل و فقدان اراده آمده است لازم به ذکر است آنچه در فقه اسلامی به عنوان جنون شناخته می‌شود در علم روان‌شناسی تحت عنوان «روان‌پریشی» به کار رفته است.

از آنجایی که در متون فقهی قدما از جنون «اطباقی» و «ادواری» سخن به میان آمده است و ضوابطی نیز برای تشخیص آنها بیان شده و بر همین مبنا گاه تفاوت‌های در احکام آنها قائل شده‌اند اما در مورد اینکه جنون، انواع و مصادیق آن، در گذشته به شکل امروزی بیان نشده است؛ شاید یک دلیل آن، قلت علم در گذشته باشد. حالا که علم به اوج خود رسیده انواع و اقسام اختلالات در علم روان‌پزشکی نیز در بخش‌های گسترده تعریف و مورد مطالعه قرار می‌گیرد که گاه در مواردی ممکن است احکام فقهی را با چالش‌های مواجه سازد؛ از همین جهت به نظر می‌رسد که بررسی و باز پژوهشی این مسئله با توجه به یافته‌های جدید ضروری باشد.

از آنجایی که ممکن است شخص در حین ارتکاب جرم دچار جنون آنی شود لازم است به خاطر وضعیت خاص وی از درک جرم ارتكابی خویش یا حتی از درک اعمال که از وی صادر می‌شود ناتوان بوده باشد و همچنین اصول محاکمات جزای منصفانه می‌طلبد که رسیدگی به جرائم و مجازات وی متفاوت از شخص سالم باشد این امر از منظر فقه اسلامی مغفول نماند است و در همین راستا در فقه مذاهب اسلامی در مورد حدوث جنون در حین ارتکاب جرم و حتی پیش از ارتکاب جرم پرداخته شده است، در این پژوهش با توجه به عنوان به بررسی مطالب آن، پرداخته می‌شود.

۱. مفهوم جنون

فقه‌های مذاهب اسلامی جنون را یکی از عوامل موانع اهلیت یا سبب حجر در تصرف بکار برده‌اند، چون بدون عقل و قوه تمیز تکلیف‌مند نمودن اشخاص بدون فایده است. در این بخش به‌طور مختصر مفهوم لغوی و اصطلاحی جنون در علم روان‌شناسی، روان‌پزشکی و علم فقه بررسی می‌شود

۱-۱. جنون در لغت

واژه‌ی جنون مصدر است، از فعل «جَنَّ يَجْنُ» گرفته شده است و جملات «جَنَّ اللَّيْلُ وَجَنَّ عَلَيْهِ فَجَنِيه» به معنای پوشیدن شب، درآمدن شب، دفن کردن مرده، پنهان‌شده، دیوانه شده (دهخدا، ۱۳۷۷ ش، ج ۵، ص ۷۸۸۳ و ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۳، ص ۹۲) واژه جنون بیشتر معنای مفعولی آن استعمال می‌شود و به معنای زوال و فساد عقل نیز استعمال شده است (آزادی، ۱۹۷۹ م، ج ۱، ص ۲۳) و انسان را به این دلیل مجنون گفته می‌شود که عقل او به واسطه اختلال روانی پوشیده می‌ماند (مصطفوی، ۱۳۶۰ ش، ج ۲، ص ۱۲۳).

۱-۲. تعریف جنون در اصطلاح فقهی

در متون فقهی اهل سنت و اهل تشیع، به تعریف جنون کمتر پرداخته شده است، به دلیل این که فقه‌های متقدم مذاهب اسلامی مفهوم جنون را یک امر بدیهی میدانستند؛ از همین جهت آن را تعریف نکرده‌اند ولی فقه‌های متأخر مذاهب اسلامی جنون را بنابر مفهوم روانشناسی و روانپزشکی آن با تعابیر مختلف تعریف کرده اند که در ذیل بررسی می‌شود:

۱-۲-۱. تعریف جنون از نظر حنفیه

برخی از اندیشمندان احناف می‌گویند: اختلال قوه عاقله که به وسیله‌ی آن انسان از درک واقعیت دور شود؛ جنون نامیده می‌شود، پس کسی که توانایی اندیشیدن و فکر کردن (عقل) را از دست بدهد و یا قوه تعادل روحی و روانی خود را از دست بدهد، مجنون شمرده می‌شود (ابن نجیم، ۱۴۱۹ ق، ج ۳، ص ۲۶۸).

و برخی دیگر از آنها می‌گویند: «جنون عبارت از اختلال قوه عاقله است به نحوی که انسان را از انجام رفتار و گفتار به شکل عادی بازدارد» (امیر بادشاهی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۷۳)، پس طبق این دیدگاه مسئولیت کیفری زمانی متحقق می‌شود که شخص دارای سلامت عقلی باشد و شخص مجنون مسئولیت کیفری ندارد؛ زیرا اختلال دماغی که منجر به زوال عقل و فقدان شعور شود که خود رافع مسئولیت کیفری است (ازوجندی انصاری، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۹۷).

۲-۲-۱. تعریف جنون از نظر مالکیه

مالکیه بجای اینکه جنون را تعریف نمایند به کارکرد آن می‌پردازند و مسئولیت مجنون را در مقابل کاری انجام می‌دهد، آن را بی‌اعتبار می‌دانند؛ زیرا مناطق تکلیف عقل است و در صورتی که بر عقل اختلال (جنون) عارض شود، مسئولیت کیفری از عهده مجنون بزه‌کار ساقط می‌شود ولی در صورتی جنون مانع مسئولیت کیفری می‌شود اعمال مجرمانه در حالت اختلال روانی صورت گرفته باشد و اگر فعل غیرقانونی در وضعیت سلامتی شخص انجام شده باشد و سپس جنون بر وی حادث شده باشد در این صورت مسئولیت کیفری از عهده وی ساقط نمی‌شود (القیروانی، بی‌تا، ج ۷، ص ۹۵).

۲-۲-۳. تعریف جنون از نظر شافعیه

فقه‌های شافعیه همچون سایر فقه‌های اسلامی مفهوم جنون را بدیهی تلقی نموده‌اند از همین جهت آن را تعریف نکرده‌اند، بلکه روی احکام جنون توجه نموده‌اند (شافعی، ۱۴۱۰ ق، ج ۶، ص ۳۰)؛ سیوطی از ابواسحاق نقل نموده جنون به معنای «زوال عقل است» و عقلای جهان به اتفاق قبول کرده‌اند که مکلف باید عاقل باشد و تکلیف را بفهمد، کسی که خطاب را می‌فهمد ولی در فهم جزئیات آن ناتوان است در حکم مجنون و طفل غیر ممیز است و مکلف دانستن آن مشکل است (سیوطی، ۱۴۱۱ ق، ص ۲۳۳) چنانچه پیامبر (ص) فرمودند: «رُفِعَ الْقَلَمُ عَنْ ثَلَاثَةٍ عَنِ النَّائِمِ حَتَّى يَسْتَيْقِظَ وَعَنِ الصَّبِيِّ حَتَّى يَحْتَلِمَ وَعَنِ الْمَجْنُونِ حَتَّى يَعْقِلَ» (سجستانی، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۴۵). ترجمه: قلم تکلیف از سه کس برداشته شده است: ۱- از خواب تا زمانی که بیدار شود؛ ۲- از صبی تا زمانی که به بلوغ برسد؛ ۳- از مجنون تا زمانی که به عقل بیاید. وجه دلالت: در این حدیث به طور مطلق مجنون را تا به سر عقل آمدنش مرفوع القلم می‌داند (زحیلی، ۱۴۰۶ ق، ج ۱، ص ۱۶۹؛ تفتازانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۳۲ و جدیع عنزی، ۱۴۱۸ ق، ص ۹۰).

۲-۲-۴. تعریف جنون از نظر حنابله

از نظر فقه‌های حنابله مجنون کسی است که قوه ادراک و عقل او دچار اختلال شده باشد، از همین جهت تکلیف از مجنون ساقط می‌شود (ابن قدامه، بی‌تا، ج ۴، ص ۷۱).

۲-۲-۵. تعریف جنون از نظر امامیه

فقه‌های امامیه واژه جنون را در برابر عقل بکار برده‌اند و داشتن عقل و قوه تمییز را از مهم‌ترین رکن مسئولیت کیفری دانسته‌اند. علامه حلی می‌گوید: «جنون عبارت از فساد عقل است» (حلی، ۱۴۲۰ ق، ج ۳، ص ۵۳۱). شهید ثانی می‌گوید: «جنون دارای اقسامی است که فساد عقل نقطه مشترک همه‌ی آن‌هاست، به هر کیفیتی که جنون واقع شده باشد» (عاملی، ۱۴۱۹ ق، ج ۵، ص ۳۸۰).

و در میان اندیشمندان فقهی شیعه احمد نراقی، به منابع پزشکی مدرن توجه و اهتمام نموده است و معتقد است که «مجنون کسی است که مبتلا، به مریضی جنون است» و نیز می‌افزاید که جنون نام مشترک تمام بیماری‌های دماغی است که باعث اختلال و فساد عقل می‌گردد (نراقی، ۱۴۱۷ ق، ص ۵۱۳).

از مطالعه تعریف جنون در فقه مذاهب خمسسه مشخص می‌شود که حدود و قلمرو تعریف جنون مشخص نیست، بلکه هر کدام از فقه‌های اسلامی طبق عرف خود آن را تعریف کرده‌اند، در حالیکه جوهره مشترک تمام تعریف‌ها «فقدان عقل و ادراک» است.

۳-۱. جنون در علم روان پزشکی

جنون یا روان پریشی، به مجموعه از علائم و وضعیت روانی غیرطبیعی گفته می‌شود که در آن ارتباط شخص مبتلا، با واقعیت قطع می‌شود و نشانه‌های مثل هذیان، توهم، برهم خوردن اراده و زایل شدن عقل، در اکثر اختلالات روانی جنون آور وجود دارد (ارفع، صمدی راد، عابدی خواسگاری، قادی پادشاه و قدوسی، ۱۳۹۴ ش، صص ۱۳۹ و ۱۴۰).

در علم روان پزشکی جنون به معنی روان پریشی است و شامل انواع و اقسام اختلال روان پریشی همچون (اسکیزوفرنی، هذیان شدید، عقب‌ماندگی ذهنی، دمانس یا زوال عقل و سایکوز و...) می‌شود که هنوز هم شناخت دقیقی از انواع و اقسام اختلالات روان پریشی صورت نگرفته است و دریک تقسیم‌بندی اختلالات روان را به (اختلال جنون آمیز و غیر جنون آمیز) تقسیم نموده‌اند که هر کدام زیرشاخه‌های متعددی را به خود اختصاص داده‌اند.

بیماران چون (شخصیت پارانوئید و کاتاتونی و...) چنانچه در وقت ارتکاب بزه فاقد ادراک باشند و یا قدرت درک آنها به سطح درک یک سفیه تنزل کرده باشد در حکم مجنون هستند و در صورتی که به هنگام وقوع حادثه، عقل خود را از دست نداده باشند و فقط اراده‌ی خود را از دست بدهند در حکم مجبور هستند، چنانچه هیچ‌کدام از آن دو را از دست نداده باشند در مقابل جرائم ارتكابی، مسئولیت کیفری خواند داشت (عوده، ۱۴۲۶ ق، ج ۱، ص ۵۶۲).

۴-۱. منشأ جنون در علم روان پزشکی

منشأ جنون متفاوت است که می‌تواند به‌صورت ناتوانی قوای عقلی مادرزادی (نقصه عقلی، کودنی، سفه)، یا اکتسابی و بر اثر بیماری نمایان گردد. همچنین ممکن است به حالتی از بیماری‌های روان‌پریشی یعنی نابسامانی کامل حیات روانی و اختلال قوه شعور مانند شخصیت پارانوئیا و یا اسکیزوفرنی درآید.

۵-۱. راه‌های تشخیص مجنون

جنون یک واقعیت است که باید احراز شود تشخیص آن گاهی برای دادگاه آسان و گاهی هم دشوار است؛ در این صورت دادگاه نیاز به جلب دیدگاه متخصص و یا پزشک روانی دارد و تشخیص جنون آنی، با مصاحبه بالینی و ارزیابی روانی تشخیص داده می‌شود، پزشک قانونی یا درمانگر سؤال‌های مطرح می‌کند و عکس‌العمل‌های فرد را در موقعیت‌ها و تجارب مختلف می‌سنجد و گاهی اوقات برای بررسی دقیق علت اختلال آزمایش‌های پزشکی و عکس‌برداری از مغز ضروری است و حتی برای تشخیص دیوانه بودن افراد مدت ۱۵ روز تحت نظر پزشکان قرار می‌گیرند تا آن علائم جنون به‌وضوح مشاهده شود و دیوانه واقعی از دیوانه غیرواقعی تفکیک شود (اردبیلی، ۱۳۸۸ ش، ص ۸۰؛ گودرزی و کیانی، ۱۳۸۶ ش، ص ۳۳۷).

۲. جنون آنی (روان‌پریشی)

جنون آنی یکی از اقسام اختلالات روانی مزمن و یا روان‌پریشی است که در یک لحظه اتفاق می‌افتد و تمام روحیات و خلیقات فرد را به‌صورت ناگهانی تغییر می‌دهد. با مبتلا شدن به این نوع جنون، فرد از دنیایی واقعیت فاصله گرفته وارد دنیایی توهم و هذیان می‌شود؛ که در نتیجه این بیماری روانی، خستگی، تحریک مقاوم و آسیب روانی را بالای افراد وارد کرده و مقاومت فرد را در برابر ناکامی‌ها و فشار زندگی کاهش می‌دهد و احتمال رفتارهای ناگهانی مجرمانه را در او افزایش می‌دهد. در بسیار مواقع افراد که به جنون آنی مبتلا شده‌اند از اثر آن، دست به کارهای مجرمانه و خشونت‌آمیز زده‌اند و در نهایت دچار پشیمانی و یک‌عمر عذاب وجدان می‌شوند (نجفی، ۱۳۹۶ ش، ص ۱۱۰).

۱-۲. علائم و نشانه‌های جنون آنی

برای تشخیص جنون آنی، دو نشانه اصلی وجود دارد که عبارت‌اند از:

- ۱- هذیان، یکی از نشانه‌های اصلی جنون آنی یا (روان‌پریشی) می‌باشد که به معنی اعتقاد غلط در مورد یک حقیقت خارجی است که آن واقعیت ندارد و با فرهنگ فرد منطبق نیست (نجفی، ۱۳۹۶ ش، ص ۴۸).
- ۲- توهم، یکی دیگر از نشانه‌های جنون آنی می‌باشد؛ توهم حالتی از تغییر هشیاری است که در آن فرد موضوعاتی را درک می‌کند که واقعیت خارجی ندارد ولی عمیقاً به آن‌ها باور دارد (همان، ص ۴۹).

بعضی از علائم دیگر هم هستند که به تشخیص و شناخت جنون آنی کمک می‌کند؛ اما از علائم و نشانه‌های اصلی به شمار نمی‌آید همانند: (فقدان احساس یا واکنش عاطفی نامتناسب)، (اختلال در عملکرد در محیط کاری یا موقعیت‌های اجتماعی) و (فقدان بینش و اختلال در قضاوت) که این علائم برای تشخیص جنون آنی ممد واقع می‌شوند.

۲-۲. علل پیدایش جنون آنی

عوامل گوناگون در پیدایش و بروز جنون آنی نقش دارند بطور نمونه به برخی از آن، اشاره کرده خواهد شد.

الف: عوامل ارثی

جنون آنی منشأ ارثی دارد و ترکیب ژنتیکی افراد بیشتر از تربیت آنها در این اختلالات مؤثر است.

ب: عوامل محیطی

عوامل محیطی از جمله عوامل هستند که در پیدایش همه امراض روانی تأثیرگذار بوده و در بروز اختلال روان‌پریشی و یا جنون آنی هم مؤثر می‌باشد، به‌طور نمونه به چند موارد آن اشاره کرده می‌شود: کی از آن موارد مشکلات خانواده است که علاوه بر ژنتیک محیط خانواده و محیط اجتماع نیز در پیدایش جنون آنی مؤثر هستند؛ و مواردی دیگر که می‌تواند در بروز جنون آنی نقش داشته باشد، مشکلات اقتصادی، بیماری‌های مزمن، آسیب‌های مغزی، تشنج و سو مصرف مواد محرک و الککل نیز در پیدایش جنون آنی نقش دارند (رفع، عابدی خوراسگانی، قادی پادشاه، قدوسی، ۱۳۹۴ ش، ص ۱۳۵ و ۱۳۶).

۳-۲. حکم جنون آنی در حین ارتکاب جرم

چنانچه متهم در زمان ارتکاب جرم، به جنون آنی مبتلا باشد به سبب فقدان ادراک از مجازات معاف است. جنون آنی، عمل ارتكابی را مشروع نمی‌سازد بلکه از عوامل رافع مسؤولیت کیفری به شمار می‌آید، حکم این مسئله میان فقههای مذاهب اسلامی اتفاقی است. در این مورد (حدیث رفع) صراحت دارد به موجب آن، کسی که در حال ارتکاب جرم به سبب جنون یا اختلال در عقلش فاقد شعور و اختیار باشد مجازات نمی‌شود. به فرض این که حکم حدیث رفع را در نظر نگیریم بازهم عقلاً اگر مجنون را مجازات کنیم هرگز به هدف عینی کیفر که همانا اصلاح بزهکار است نمی‌رسیم به این خاطر که مجازات و اعمال کیفری نسبت به مجنون مفید به‌فایده نیست.

۳. تأثیر جنون آنی بر حکم جرائم حدی

۳-۱. تأثیر جنون آنی بر حکم جرم زنا

اسلام عزیز انسان را زمانی مکلف یا مسئول می‌داند که دارای عقل، ادراک و اختیار باشد چنانچه یکی از این دو رکن از میان برود، تکلیف برداشته می‌شود و بنابراین شخصی به سبب بیماری روانی یا به سبب جنون آنی عقل خود را از دست بدهد فاقد ادراک خواهد بود و مسؤولیت کیفری متوجه آن نخواهد شد؛ و حکم این مسئله در میان فقههای مذاهب اسلامی اتفاقی است (عوده، ۱۴۲۶ ق، ج ۱، ص ۵۵۹). بنابراین اگر مرتکب در حین ارتکاب جرم زنا، مبتلا به جنون آنی باشد به‌نحوی که عروض جنون آنی سبب زوال عقل و فقدان شعور وی شود در این حالت مسئول اعمال خود نیست یعنی در قبال امرونیی شارع مقدس تکلیفی ندارد خطاب یا امرونیی شارع مقدس متوجه کسانی است که دستورهای او را می‌فهمند و قدرت اجابت آنرا دارند.

۳-۲. تأثیر جنون آنی بر حکم جرم لواط

حالا اگر دیوانه مقطعی در حالت جنون مرتکب عمل لواط شد، حکم آن، چه خواهد بود؟ آیا حکم لائط مجنون، همانند حکم زناکار (عاقل و بالغ)^۲، است؛ یا اینکه طبق دیدگاه احناف، مجازات تعزیری که در حق لائط (عاقل و بالغ) در نظر گرفته شده است، آن مجازات بر لائط مجنون اقامه می‌شود؛ و یا این که جنون به‌عنوان یکی از عوامل رافع مسؤولیت کیفر در جرم لواط هم لحاظ می‌گردد. عاقل بودن فاعل و مفعول، شرط لازم برای تحمل مجازات جرم لواط به شمار می‌آید و همچنان که در تحقق هر جرم وجود آن لازمی است؛ در زمان ارتکاب جرم، فاعل و مفعول باید واجد آن شرط باشند؛ تا شیسته‌ی مجازات گردند، بنابراین، همه فقههای مذاهب اسلامی «عقل» را یکی از شرایط تحقق جرم لواط دانسته‌اند و هرگاه اگر ووطی از مجنون صورت بگیرد بر دوش لائط مجنون مسؤولیت کیفری نیست اما اگر مجنون از قوه تمیز اندک برخوردار بود تأدیب می‌شود و اگر کاملاً در حالت شیدایی قرار داشت هیچ‌گونه مسؤولیت کیفری متوجه آن نخواهد شد؛ و بر مفعول (عاقل، بالغ و مختار) مجازات جرم لواط اقامه خواهد شد؛ و اگر شخص عاقل و بالغ و مختار به مجنون لواط نموده و داخل کند شخص (عاقل، بالغ و مختار) بنا به دیدگاه احناف، تعزیراً کشته می‌شود و بنا به دیدگاه امامیه حتماً کشته می‌شود. امام خمینی (ره)، در تحریر الوسیله می‌فرماید: در صورتی که هر یک از آنها بالغ عاقل مختار باشند و مسلمان و کافر و محسن و غیره در آن مساوی می‌باشد؛ و اگر بالغ عاقل به مجنون لواط نموده و داخل کند، این شخص بالغ کشته می‌شود و باشعور داشتن دیوانه، حاکم اسلامی به آنچه که صلاح می‌بیند، او را تأدیب می‌کند و اگر دیوانه با دیوانه لواط نماید هر دو در صورت داشتن شعور، تأدیب می‌شوند (خمینی، ۱۳۹۲ ش، ج ۲، ص ۵۰۲).

بنابراین، دیوانه مقطعی در صورت داشتن شعور تأدیب می‌شود ولی حد نمی‌خورد. مرحوم آیت‌الله خویی می‌فرماید: «لا قتل (فی لواط) علی المجنون و لا علی الصبی» (خوئی، ۱۴۲۸ ق، ج ۱، ص ۲۸۳)؛ و دلیل آن عدم وجود خلاف و اشکال در این مسئله بین اصحاب و نیز رفع قلم از مجنون و صبی و برخی نصوص بیان می‌دارد؛ و از نظر مرحوم صاحب جواهر نیز قطعاً عقل شرط اقامه حد است و در صورتی که بالغ عاقل مختار با فرد مجنون مرتکب این فعل شود فرد عاقل حد می‌خورد و مجنون در صورت شعور و درک نسبت به عمل انجام‌شده بمایراه الحاکم تأدیب می‌شود (نجفی، ۱۳۹۶ ش، ج ۴۱، ص ۳۷۸).

باملاحظه‌ی دیدگاه فقههای مذاهب اسلامی می‌توان گفت که مجنون از مجازات کیفری معاف شده است و مجازات حدی و غیر حدی بر وی اقامه نمی‌شود.

۳ - طبق دیدگاه مالکی، شافعی، حنبلی و امامیه، حکم لواط کننده، عاقل و بالغ مانند حکم زنا کنند عاقل و بالغ خواهد بود.

۳-۳. تأثیر جنون آنی بر حکم جرم مساحقه^۴

سخن در باب مساحقه نیز همانند لواط می‌باشد، فقهای اهل سنت و اهل تشیع در مورد حدی بودن یا تعزیری بودن جرم مساحقه اختلاف نظر دارند، نکته متفق علیه در بین همه مذاهب اسلامی عمومیت اشتراط عقل در تکلیف است؛ و وجود عقل شرط ثبوت جرم مساحقه نیز می‌باشد. بنابر این، جرم مساحقه درباره کسی ثابت می‌شود که بالغ عاقل مختار و دارای قصد باشد. با توجه به موارد فوق گفته می‌توانیم که شخصی که در حین عمل مساحقه مبتلا به جنون آنی باشد در صورت تمیز داشتن بنا به صلاح دید حاکم اسلامی تأدیب می‌شود؛ و در صورتی که نداشتن تمیز، تأدیب هم متوجه آن نخواهد شد.

۳-۴. تأثیر جنون آنی بر حکم جرم تفخیز

حالا اگر شخص عاقل بالغ مختار همراه دیوانه مقطعی، جرم تفخیز را مرتکب شود حکم آنچه خواهد بود؟ از منظر معتقدان حدی بودن جرم تفخیز، حد تفخیز- صد تازیانه- بر تفخیز کنند عاقل و بالغ مختار، اقامه خواهد شد و تفخیز شونده دیوانه در صورت داشتن تمیز تأدیب می‌شود؛ و از منظر معتقدان تعزیری بودن جرم تفخیز، حدی بر فاعل و مفعول جرم مزبور اقامه نخواهد شد؛ بلکه بنا به صلاح دید حاکم اسلامی تفخیز کننده و تفخیز شونده تعزیر می‌شوند به شرط اینکه مرتکبین در حین ارتکاب، بالغ، عاقل و مختار باشند؛ و اگر شرایط مذکور را نداشته باشند تعزیر هم نمی‌شوند؛ بنابراین دیوانه مقطعی در ارتکاب جرم تفخیز، چه فاعل باشد و چه مفعول در صورت نداشتن تمیز نه حد بر وی اقامه می‌شود و نه تعزیری بروی اجرای می‌شود؛ زیرا مجنون فاقد مسؤولیت کیفری است.

۳-۵. تأثیر جنون آنی بر حکم جرم قوادی^۵

سخن در باب این جرم بعید به نظر می‌رسد که فرد مجنون توان و قابلیت انجام چنین جرمی را داشته باشد که در صورت احتمال وقوع نیز قطعاً حد از مجنون ساقط است.

۳-۶. تأثیر جنون آنی بر حکم جرم قذف

عقل یکی از شرایط عمومی تکلیف هست که در هر جرمی، جانی باید دارا باشد، ولی وجود آن در مجنی علیه لازم نیست، اما فقها در مقذوف، وجود آن را لازم دانسته‌اند سبب این است که به مقذوف، نسبت زنا داده می‌شود و زنا جرمی است که از فرد عاقل سر میزند و زنا مجنون مستوجب حد نیست باین همه، فقها درباره عقل اتفاق نظر دارند. به دلیل (حدیث رفع) که پیامبر (ص) فرمودند: «رفع القلم عن ثلاثة... وعن المجنون حتى يفيق» (بخاری ابوعبدالله، ۱۴۲۲ ق، ج ۷، ص ۴۵) مسؤولیت کیفری از عهده سه گروه برداشته شده است که یکی از آن سه گروه مجنون است، مجنون تا زمانه افاقه مسئول اعمال خود نبوده و از مسؤولیت جزائی میرا می‌باشد؛ این حدیث در منابع فقهی اهل سنت و هم در منابع فقهی اهل تشیع وجود دارد، اختلال در خصوص این حدیث شنیده نشده است. فقهای اهل سنت، در خصوص مجنون قاذف بیان داشته‌اند؛ که هرگاه قاذف در حین ارتکاب جرم قذف، دچار دیوانگی باشد به نحوی که قوه ادراک و تمیز خود را از دست داده باشد، هر چند که قذف شونده دارای شرایط احصان باشد، بر قاذف حد نیست زیرا حد یک عقوبت است و لازمه آن، جز مجرم بودن شخص است از همین جهت است که فعل مجنون وصف مجرمانه ندارد؛ در این صورت حد برای او نیست. حتی اگر این مجنون به قذف خود اقرار هم کند و اقرارش بخاطر عدم مسؤولیت جزائی، بی تأثیر لحاظ می‌شود (الفتاوی الهندیه، ۱۹۸۰ م، ج ۲، ۵۶۲).

از ابن قاسم در خصوص رأی امام مالک در مسئله قذف عاقل سؤال شد که آیا حد از قاذف مجنون ساقط می‌شود؟ ایشان فرمودند که از امام مالک شنیده‌ام که؛ حد قذف بر مجنونی که در زمان ارتکاب جرم قذف، مبتلا به جنون باشد جاری نمی‌شود، اما از طرف حاکم بعد از افاقه‌اش تأدیب می‌شود؛ اما اگر در حالت افاقه مرتکب جرم قذف شده باشد در زمانه اجرای حکم مبتلا به جنون شده باشد تا زمان افاقه حد جاری نمی‌شود هرگاه به حالت افاقه برگشت حد اجرای می‌شود (قرافی، ۲۰۰۱ م، ج ۴، ص ۵۴۹).

قرافی در خصوص این مسئله بیان می‌دارد: در قذف شرط است که قاذف از قوه عقلی خوبی برخوردار باشد و قصد داشته باشد و این شرط در مجنون کامل نیست در این صورت حد از مجنون برداشته می‌شود (بهوتی، ۱۹۹۷ م، ج ۵، ص ۹۰)؛ و هرگاه قاذف عاقل باشد و مقذوف مجنون یا دیوانه باشد؛ در نزدی فقهای اهل سنت بر قاذف حد نیست اما قذف کننده تعزیر می‌شود.

^۴ - مساحقه، رابطه جنسی میان دو زن است، فقهای اهل سنت مساحقه را از جمله جرایم تعزیری میدانند؛ وفقهای امامیه آن را از جمله جرایم حدی دانسته و مقدار مجازات آن را صد تازیانه میدانند (نجفی، ۱۳۵۶ ش، ج ۴۱، ص ۳۸۸)

- قیادت آن است که کسی میان دو فاعل عمل زشت جمع کند؛ خواه آن عمل زنا باشد، خواه لواط و خواه سحق (جعبی، ۱۴۲۵ ق، ج ۱۴، ص ۴۱۵).

فقه‌های اهل تشیع، عقل را یکی از شرایط عمومی اجرای مجازات حدّی می‌دانند؛ بنابراین اگر مجنون در حالت جنون فردی عاقل و پاکدامنی را قذف نماید، در این صورت بر شخص قاذف حد نیست اما بعد از افافه تعزیر می‌شود؛ اما در صورت که قذف کننده عاقل؛ و قذف شونده مجنون باشد، قاذف دیوانه را تعزیر کرده خواهد شد؛ در بعضی از روایت‌ها به‌طور خاص تأدیب مجنون بعد از افافه در فرض مزبور تجویز شده است؛ از جمله امام صادق می‌فرماید: «مجنون اگر دیگری را قذف نماید، تأدیب می‌شود» (حر عاملی، ۱۴۱۳ ق، ج ۲۸، ص ۲۱۰)

۷-۳. تأثیر جنون آنی بر حکم جرم شرب خمر

دین مقدس اسلام هزار چهارصد سال قبل انسان را وقتی مکلف می‌دانست که از عقل، بلوغ و اختیار برخوردار باشد؛ بنابر این اگر شارب خمر در حین شرب مبتلا به جنون آنی شده باشد طوری که عقل و اراده خود را از دست داده باشد در این صورت حدّ شرب خمر، بر شارب دیوانه جاری نمی‌شود به دلیل حدیث رفع «رفع القلم عن ثلاثة ... وعن المجنون حتی یفیک» (بخاری، ابوعبدالله، ۱۴۲۲ ق، ج ۷، ص ۴۵) مجنون تا زمانی افافه مکلف نیست و مسؤولیت کیفری ندارد. هرچند که اثبات شرب خمر به اساس اقرار خودی شارب هم باشد حدّ شرب بر او اقامه نمی‌شود؛ زیرا عقل یکی از شرایط اساسی اقرار است و اقرار مجنون فاقد اعتبار است (عوده، ۱۴۲۶ ق، ج ۲، ص ۵۱۰)؛ هرگاه شارب خمر در حین شرب سالم باشد، پس از صدور حکم قطعی و قبل از اجرای حکم، دچار جنون آنی گردد در این صورت، جنون رافع مسؤولیت کیفری نیست.

۸-۳. تأثیر جنون آنی بر حکم جرم سرقت

آیا اگر کسی از روی دیوانگی مقطعی دچار سرقت بشود؛ قطع دست اتفاق می‌افتد یا نه؟ اگر قطع دست اتفاق می‌افتد چرا و اگر اتفاق نمی‌افتد چرا؟

وجوب مجازات جرم سرقت مشروط به تحقق شرایطی است که از جمله‌ی آنها به اتفاق فقها، شرطیت عقل می‌باشد، لذا (قطعی) بر شخص مجنون نیست. مهم احراز حالت دیوانگی در زمان وقوع سرقت است، حال فرقی ندارد که جنون، اطلاق باشد یا ادواری باشد و یا جنون آنی باشد (زرقانی مصری، ۱۴۲۲ ق، ج ۸، ص ۱۸۴)؛

از دیدگاه فقه‌های مذاهب اسلامی، هرگاه اگر دیوانه مقطعی مرتکب جرم سرقت شود هرچند که تکرار نماید، حدّ سرقت بر وی جاری نمی‌شود؛ به دلیل حدیث رفع القلم. بنابه دیدگاه امام ابوحنیفه، اگر حدّ به دلیل جنون یا صغر سن بر یکی از چند سارق که در سرقت شرکت داشته‌اند اعمال نشود، در مورد سایرین هم غیرقابل اعمال خواهد بود، زیرا سرقت یکی بوده است و باید حکم واحدی بر کلیه سارقین اجرا گردد (همان، ص ۱۸۵).

علی‌رغم، اجرای حدّ سرقت بر دیوانه‌ی مقطعی، در صورتی است که وی اهل تمیز باشد، به گونه‌ای که تأدیب و تعزیر در زجر بر وی مؤثر بوده و وی را از ارتکاب اعمال بزهکارانه بازدارد، در این صورت به نظر حاکم ممکن است تعزیر شود (محقق حلی، ۱۴۰۹ ق، ج ۴، ص ۱۵۶).

۹-۳. تأثیر جنون آنی بر حکم جرم محاربه یا حرابه

با فراهم شدن تمام شرایط حد، اجرای حدّ واجب می‌گردد و فقدان یکی از آن شرایط وجوب حدّ را منتفی می‌سازد مانند فقدان شرط (عقل) که اگر محارب در حین ارتکاب حرابه خود دیوانه باشد و این دیوانگی وجوب حدّ محاربه را منتفی می‌سازد؛ و حدّ محاربه بر مجنون محارب اقامه نخواهد شد، بلکه تعزیراً در بیمارستان یا اماکن مشابه نگهداری می‌شود تا مردم از دست وی در امان باشند؛ و اگر مجنون محارب در حین حرابه خود مال کسی را گرفته باشد مسؤولیت مدنی خواهد داشت و اگر م مجنون در حرابه خود دست به قتل بزند، به عقیده‌ی (مالک، ابوحنیفه و احمد) خون‌بهای مقتول به عهده عاقله آن خواهد بود؛ زیرا به نظر آنان، عمد مجنون به جهت فقدان قصد صحیح خطا محسوب می‌گردد، در این صورت، چون قتل مجنی علیه مقصود آن نبوده است عمل ارتكابی خطا محسوب می‌گردد؛ اما به عقیده‌ی شافعی، جنایت عمدی مجنون، عمد است، نه خطا؛ باین‌همه، مجنون از قصاص معاف است لکن این معافیت در توصیف عمل حقوقی ارتكابی تأثیر نمی‌گذارد و آن را از دایره‌ی (عمد) خارج نمی‌کند؛ زیرا عمل را با اراده انجام می‌دهد؛ هرچند که ادراک صحیحی ندارد (عوده، ۱۴۲۶ ق، ج ۲، ص ۶۴۰)

از دیدگاه‌های فقه‌های مذاهب اسلامی در مورد جنون محارب، چنین برداشت می‌شود که هرگاه مجانبین و یا مجنون دست به جرم حرابه بزنند؛ طوریکه در حین ارتکاب عمل حرابه، مبتلا به جنون باشند و جنون شان هم طوری باشد که عقل و اراده خود را از دست داده باشند در این فرض، جنون را شرع و قانون مانع مسؤولیت کیفر دانسته است و بر مجنون محارب حدّ را واجب نکرده است؛ و تعزیراً به جای نگهداری می‌شوند تا مردم و جامعه از دست وی در امان باشند؛ و اگر در عمل حرابه خود مال کسی را گرفته باشند و یا دست به قتل زده باشند؛ عاقله آنان، جبران خسارت و خون‌بهای مقتول را خواهند پرداخت.

۱۰-۳. تأثیر جنون آنی بر حکم جرم بغی

شورشیان که در حین شورش خود مبتلا به جنون مقطعی باشند و جنونشان طوری باشد عقل و اراده خود را از دست داده و بدون قوه تمیز دست به شورش برده باشند و عمل بغی را مرتکب شده باشند در این صورت، دیوانگی مقطعی مانع اجرای مجازات جرم بغی خواهد شد؛ و بر بغات مجنون مجازات جرم بغی جاری نمی‌شود بلکه تعزیراً بازداشت شده در بیمارستان و یا اماکن مشابه نگهداری می‌شوند تا مردم از دست‌شان در امان باشند و اگر بغات مجنون، در حین شورش خود، دست به سرقت زده مال کسی را گرفته باشند، یا آن مال را تلف کرده باشند و یا هم در حین شورش خود دست به قتل زده باشند، در این حالات، بغات مجنون مسئولیت مدنی دارند؛ بنا به عقیده مالک، ابوحنیفه و احمد، استرداد مال، جبران خسارت و خون‌بهای مقتول به عهده‌ی عاقله‌ی آنها خواهد بود؛ زیرا به نظر آنان، عمد بغات مجنون به جهت فقدان قصد صحیح خطا محسوب می‌گردد، چون قتل مجنی علیه مقصود آنان نبوده است عمل ارتكابی خطا محسوب می‌گردد (عوده، ۱۴۲۶ ق، ج ۲، ص ۶۹۷)؛ یکی از ارکان ثلاثه تحقق جرم بغی سوءنیت (قصد بغی) است و منظور از سوءنیت باغی، داشتن قصد و استعمال زور علیه امام است، پس اگر مقصود شورشیان، قیام علیه امام نباشد و قصد استعمال زور را هم نداشته باشند، باغی محسوب نمی‌شوند (همان، ص ۶۹۸) بر اساس این رکن مجنون قصد علیه امام ندارد، زیرا به مجرد ظهور جنون حالت شدیدی بر آن غالب می‌شود؛ و همچنین در فقه جزا، برای اقامه مجازات حدی شرایط را بر مرتکب جرم شرط دانسته است که باید آن شرایط را مرتکب جرم داشته باشد تا مجازات حدی بر آن اقامه شود، یکی از آن شرایط، شرط عقل است وقتی مرتکب جرم فاقد شرط عقل باشد مسئولیت کیفر از آن برداشته خواهد شد.

۱۱-۳. تأثیر جنون آنی بر حکم جرم ارتداد

از آنجای که عقل، به‌ویژه در معتقدات، از شروط اهلیت به حساب می‌آید لذا ارتداد دیوانه معتبر نیست به اتفاق فقهای مذاهب اسلامی، اگر دیوانه در حالت جنون مرتد شود، کماکان مسلمان است و چنانچه مسلمانی او را عمداً بکشد، قصاص می‌شود؛ زیرا پیامبر (ص) می‌فرمایند: «رفع القلم عن ثلاثه... وعن المجنون حتی یفیک» (بخاری، ابوعبدالله، ۱۴۲۲ ق، ج ۷، ص ۴۵) از سه گروه قلم برداشته شده است: یکی از آن سه گروه جنون است؛ و مجنون پیش از افاقه مسئولیت کیفری ندارد. بنابر این، گفتار مجنون حجت نیست، ارتداد وی هم مقبول و پذیرفته نیست، بلکه اگر در حالت افاقه مرتد شود، جرم اتفاق می‌افتد. پس اگر در حالتی که متوجه است مرتد و پس از آن دیوانه گردد، گشته نمی‌شود؛ زیرا مرتد پس از دعوت به توبه، چنانچه در ارتدادش مصرّ باشد، به قتل می‌رسد و در مورد مجنون این امر (احراز اصرار) مقدور نیست، هم چنان که دعوت به توبه نیز مقدور نمی‌باشد. پس اگر کسی او را پیش از بهبود و قبل از دعوت به توبه بکشد، به سبب اینکه امکان درخواست توبه را از میان برده و کاری را که به عهده قوای حکومتی بوده انجام داده است، تعزیر می‌شود لیکن به اتهام قتل مؤاخذه نمی‌شود. اگر دیوانه‌ی مقتول زن باشد، به نظر ابوحنیفه، قاتل قصاص ندارد و فقط تعزیر می‌شود؛ زیرا ارتداد، موجب مباح شمردن و مشروعیت ریختن خون مرتد می‌شود و هر جنایتی که بر مرتد وارد شود، جرم نیست و کشته شدن زن در اثر ارتداد به سبب شبهه است (زرقانی مصری، ۱۴۲۲ ق، ج ۸، صص ۶۹ و ۷۰).

از دیدگاه مالکیه، جنون مقطعی باعث توقف اجرای حکم می‌شود و کماکان موقوف خواهد ماند تا مجنون بهبود یابد؛ مگر آن که مجازات از نوع قصاص باشد که در این صورت به عقیده برخی به سبب قطع امید از افاقه‌ی مجنون، مجازات ساقط می‌شود (همان، ج ۱، ص ۵۴۵). در مذهب شافعی و حنبله، در این مورد قاعده معمول است و آن این است؛ هر جرمی که علیه مجنون با بینه و یا اقرار ثابت شده باشد، چنانچه از جرایمی به شمار آید که عدول از اقرار - مانند قصاص - باعث بی‌اثر بودن اقرار نگردد، مجازات آن در حال جنون اعمال می‌شود؛ اما اگر جرم با اقرار ثابت شده باشد و عدول از آن، باعث سقوط مجازات می‌گردد، مانند سرقت زنا و شرب خمر، اجرای حکم متوقف می‌ماند؛ تا مجنون بهبود حاصل کند؛ زیرا احتمال دارد که پس از بهبود از اقرار قبلی عدول کند و مجازات ساقط گردد (ابن قدامه، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۱۱۰).

۴. تأثیر جنون آنی بر حکم جرائم غیر حدی

همانطور که در بحث تأثیر جنون آنی بر حکم جرایم حدی بررسی شد، که شخص دیوانه به دلیل فقدان عقل و اراده، ارتباط با واقعیت را از دست می‌دهد تحت فشار بیماری روانی قرار گرفته دست به اعمال مجرمانه می‌زند؛ در این مبحث احکام و آثار فقهی جنون آنی در جرائم غیر حدی بررسی می‌شود.

۱-۴. ماهیت و حکم تعزیر

تعزیر عبارت از مجازات تأدیبی در مقابل گناهان است که حد معینی بر آن مقرر نشده است. پس تعزیرات به مجموعه‌ای از عقوبت‌های غیر معینی گفته می‌شود که از نصیحت و انذار آغاز شده و به عقوبات شدید مانند حبس و شلاق غیره منتهی می‌شود؛ و حتی در بعضی جرائم

خطرناک به قتل نیز می‌رسد و قاضی می‌تواند که با در نظر داشت حال و سوابق مجرم و طبیعت جرمه، جزای مناسبی برای آن انتخاب کند؛ و همچنان جرائم حدود و قصاص که به سبب مانعی عقوبت اصلی بر آنها نافذ نشود، با جرائم تعزیری مجازات می‌گردند (خویی، ۱۳۸۳ ش، ج ۲، ص ۳۷۵)

تعزیر واجب است و در حق کسی اجرا خواهد شد که مکلف^۶ باشد و مرتکب معصیت و گناه شده باشد که مجازات آن حد، کفاره، دیات نباشد. بطور مثال: فردی به فرد دیگری واژه‌ای را بگوید که در آن بی‌ادبی باشد، ولی شروط تهمت زدن ناموس در آن فراهم نیامده باشد؛ و یا عملی را انجام داده باشد که موجب اجرای حد و کیفر نگردد، از قبیل دزدیدن مال اندک^۷ و ناچیزی که نصاب شرعی را پُر نکند، در این صورت به سبب وجود مانع حدّ سرقت اقامه نمی‌شود و سارق محکوم به مجازات تعزیری می‌شود (وهبه، بی‌تا، ج ۳، ص ۹۷).

در شریعت اسلامی اصل براین است که تعزیر در غیر معصیت وجود ندارد لکن شریعت به‌طور استثنائی اجرای تعزیر را در غیر معصیت یعنی به مواردی که به تحریم ذاتی آن تصریح نشده است، نیز جایز می‌داند به شرط آن که مصلحت عامه اقتضای تعزیر را داشته باشد، یکی از این موارد منع کردن دیوانه از معاشرت با مردم در صورتی که وجودش در بین مردم باعث ضرر آنان شود، اگرچه دلیلی هم بر انجام فعل معینی علیه وی اقامه نشده باشد به خاطر مصلحت عامه از معاشرت با مردم منع می‌شود (همان، ص ۶۷).

۲-۴. تأثیر جنون آنی بر حکم جرائم تعزیری

بامطالع‌های منابع فقهی اهل سنت، می‌توان گفت هرگاه مجنون در حین ارتکاب جرائم تعزیری از کمترین درجه قوه تمیز برخوردار باشد و مجازات بر وی مؤثر واقع شود؛ تعزیراً مجازات که مناسب حال وی است اعمال می‌شود^۸ و اگر مجنون کاملاً در حالت شیدایی قرار داشته باشد، در این صورت مسؤولیت کیفری مجازات تعزیری نیز از وی ساقط می‌شود اما مسؤولیت مدنی وی پابرجاست؛ و اگر در حالت مذکور مجنون دست به سرقت و اتلاف مال غیر زده باشد، استرداد و جبران خسارت بر عهده اولیاء وی است.

شربینی در کتاب خود (مغنی المحتاج) می‌نویسد: «فلا حد علی الصبی و المجنون لإرتفاع القلم منهما و لکن یؤدبهما ولیهما بما یزجرهما...»؛ حد بر صبی و مجنون اقامه نمی‌شود، زیرا مسؤولیت از آنها برداشته شده است ولیکن آنچه سبب سرزنش شان می‌شود از طرف اولیای شان تأدیب خواهند شد (شربینی، ۱۹۵۸ م، ج ۴، ص ۱۴۶) یعنی تأدیبی صبی و مجنون در مباحث کیفری بر عهده‌ای اولیای آنهاست. «ويعزر القاذف المميز من الصبی او المجنون له نوع تمیز» (همان، ۱۵۶)؛ و همچنان قاذف صبی ممیز یا مجنون که از کمترین درجه قوه تمیز برخوردار باشد تعزیر می‌شوند.

همچنین با بررسی منابع فقهی اهل تشیع می‌تواند گفت فقهای امامیه معتقد بر این هستند که مجنون در صورت احتمال تأثیر (بمیراه الحاکم) تعزیر و تأدیب می‌شود؛ فلولا قذف الصبی لم یجد و عز و إن قذف مسلماً بالغاً حراً و کذا المجنون؛ اگر صبی قذف کند حد نمی‌خورد اما تعزیر می‌شود هر چند که مسلمان بالغ حری را قذف کرده باشد، در مورد مجنون حکم نیز همین‌طور است (شهید ثانی، ۱۴۲۵ ق، ج ۱۴، ص ۴۳۵)؛ در مورد جرم سرقت شهید اول می‌فرماید: «فلا قطع علی الصبی و المجنون بل التأدیب» (شهید اول، ۱۴۱۱ ق، ص ۲۴۲)؛ حدّی بر صبی و مجنون نیست.

به نظر نگارنده در اینجا مقید کردن تعزیر به قید تمیز به جهت بیان همان شرط احتمال تأثیر است چراکه دیوانه هیچ‌گونه قوه تمیز و ادراک تشخیصی ندارد تعزیر و تأدیب وی نیز بی‌اثر است. در کل فقهای اهل سنت قائل به تعزیر و تأدیب صبی و مجنون هستند و آن را به شکل یک قاعده کلی بیان کرده‌اند: قد یعزر من لا یخاطب بحقوق الله کالصبيان (والمجانين) و هونظیر التأدیب فی الدواب فإنه من حقوق الملك (سرخسی، ۱۴۲۱ ق، ج ۹، ص ۸۲)؛ در عبارت دیگر بیان شده: الصبی و المجنون یعزران إذا فعلا ما یعزر علیه البالغ و إن لم یکن فعلیهما معصية (شربینی، ۱۹۵۸ م، ج ۴، ص ۱۵۶).

اما در مسئله وجود تعزیر بر مجنون نقل‌های دیگری از هر دو دیدگاه وجود دارد، قسمیکه در بالا ملاحظه شد در این نقل فردی که از روی شبه مرتکب فعل حرام شده نسبت داده شده و در مورد مجنون رهایی وی بدون حد و تعزیر و سقوط تکلیف از وی بیان شده است بعضی از فقهای می‌نویسند: و أدب غاصب المميز صغیراً أو کبیراً بخلاف، غیره کمجون و صبی لم یميز لحق الله تعالی ولو عفا عنه المغصوب منه بأجتهد الحاکم و إنما أدب الصبی لأنه لدفع الفساد و اصلاح حاله کمال تضرب الدابة لذالك (ابوالبرکات، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۴۲)؛ غاصب خواه صغیر ممیز باشد یا کبیر تعزیر می‌شود؛ اما به خلاف آن، مجنون و صبی غیر ممیز تعزیر نمی‌شود؛ در صورت مغصوب آنها عفو نماید و در

^۶ - مکلف: شرایط تکلیفی را دارا باشد.

^۷ - که نصاب شرعی (ده درهم) را پُر نکرده باشد.

^۸ - ر.ک. التشریع الجنائی الإسلامی مقارناً بالقانون الوضعی، ج ۲، ص ۶۴۲.

حقوق الله نظر به صلاح دید قاضی یا ولی امر مسلمین تأدیبی می شود زیرا به سبب تأدیب فساد دفع می شود و اصلاحات می آید مانند ضرب حیوان به برای اصلاح آن.

عده‌ی دیگری بر این معتقدند که مجازات تعزیری بر صبی غیر ممیز و مجنون اقامه می شود:

«أنه أحضر عمر بن الخطاب سته نفر أخذوا بالزنا فأمر أن يقام على كل واحد منهم الحد وكان أمير المؤمنين (ع) جالساً عند عمر فقال يا عمر ليس هذا حكمهم، قال فأقم أنت عليهم الحد فقدم واحداً منهم ف ضرب عنقه و قدم الثاني فرجمه و قدم الثالث فضربه الحد و قدم الرابع فضربه نصف الحد و قدم الخامس فعززه و أما السادس فأطلق، فتعجب عمر (رض) و تحير الناس فقال عمر (رض) يا أبا الحسن ستت نفر في قضية واحد أقتم عليهم خمس عقوبات ليس منها حكم يشبه الآخر فقال نعم، أما الاول فكان ذمياً زنا بمسلمة و خروج عن ذمته فالحكم فيه السيف و أما الثاني فرجل محصن زنا، فرجمناه و أما الثالث فغير المحصن فحدناه و أما السادس فمجنون مغلوب على عقله سقط منه التكليف» (معزی ملایری، ۱۳۷۳ ش، ج ۲۵، ص ۳۳۸)؛ از عبارت فوق چنین برداشت می شود که امیر مؤمنان حضرت علی (ع) (نفر ششم) را که هیچ نوع مجازات نداد، به مجانین اطلاق می شود که احتمال تأثیر مجازات تعزیری در آنها نمی رود و هیچ گونه قوه تمییزی ندارند. در بیان شروط حد شرب خمر نیز (مسلمان، آزاد و مکلف) قید شده است: یجب بسبب شرب المسلم الحر المكلف... و خروج بالمسلم الکافر و بالمکلف الصبی و المجنون وأدب صبی الزجر ((ابوالبرکات، بی تا، ج ۴، ص ۳۵۲)؛ هنگام که شارب خمر شرایط تکلیف را دارا نباشد حد شرب خمر نیز از وی برداشته خواهد شد.

بحث دیگری که در اینجا می بایست مورد توجه قرار گیرد بررسی مفهوم تعزیر و تأدیب در مورد مجنون و نیز ارتباط بین آنها می باشد. آیا تأدیب صرفاً یکی از اهداف تعزیر است یا اینکه به تعزیری که در مورد صبی و مجنون ادب کردن وی باشد و جنبه کیفری باشد تأدیب گویند و یا آنکه بگوییم تأدیب خود مجازات مستقلی از تعزیر است که در مورد صبی و مجنون به کار می رود.

از دیدگاه فقهی مذاهب چهار گانه اهل سنت تعزیر به معنی تأدیب است و هدف از تأدیب هم تنبیه و جلوگیری از وقوع جرم و اصلاح افراد جامعه است و اجرای تأدیب در مورد صبی و مجنون هر چند که جنبه کیفری هم داشته باشد حق ولی آنها است و در غیر صبی و مجنون، تأدیب و تنبیه در اختیار ولی امر مسلمین و یا قاضی است، این تأدیب در واقع همان تعزیر است که بمایراه الحاکم در منابع فقهی یاد شده است؛ اما در فقه امامیه تأدیب دارای دو معنی است یکی معنی عام که شامل صبی و مجنون و مملوک می شود و جهت ادب کردن و مطیع کردن ایشان است و جنبه کیفری نداشته و در اختیار ولی و صاحب می باشد؛ و معنای دوم آن، یعنی تأدیب به معنی خاص صرفاً شامل صبی و مجنون است که جهت تنبیه و تعزیر و جلوگیری از وقوع جرم و اصلاح ایشان است که در اختیار حاکم می باشد و در واقع تعزیر کیفری صبی و مجنون را تأدیب گویند که البته این تأدیب از آن لحاظ که همان تعزیر است بمایراه الحاکم می باشد.

در مورد تعزیر مجنون می توان نظرات را به ترتیب ذیل دسته بندی کرد:

اکثر فقهی اهل سنت به این باورند: در صورت احتمال تأثیر تعزیر بر مجنون توسط ولی وی تعزیر و تأدیب می شود، اما در غیر صبی و مجنون تعزیر در اختیار حاکم اسلامی می باشد و بمایراه حاکم تعزیر کرده می شوند؛ و برخی شان در این مورد سکوت کردند و برخی هم مانند ابوالبرکات مالکی مذهب قائل به عدم تعزیر مجنون می باشند و در آن توجهی به وجود تمییز یا احتمال تأثیر ندارند (ابوالبرکات، بی تا، ج ۴، ص ۳۵۲)؛ فقهی اهل تشیع نیز بر این باورند که در صورت احتمال تأثیر توسط حاکم تعزیر و تأدیب می شود و تعزیر مجنون و صبی در اختیار حاکم است (نجفی، ۱۳۹۶ ش، ج ۴۱، ص ۳۸۸).

با توجه به موارد فوق چنین برداشت می شود که مجنون در صورتی که قوه تمییزش به اندازه ای باشد که تأدیب در پیشگیری از جرم مؤثر باشد می بایست تعزیر شود اما اگر احتمال تأثیر نبود تعزیر فایده ای ندارد مانند اقامه تعزیر در مورد فردی که دچار بیماری عقب ماندگی ذهنی شدید می باشد که هیچ احتمال تأثیری در وی وجود ندارد؛ و نهایتاً اینکه به دلیل وسعت و تعدد انواع بیماری ها و اختلالات روانی تشخیص احتمال یا عدم احتمال تأثیر امری تخصصی خواهد بود که لازم است در آن نیز همانند تشخیص خود جنون و درجات آن به متخصص و کارشناس رجوع شود.

۳-۴. تأثیر جنون آنی بر حکم مجازات جرم قتل

حالا اگر شخص مبتلا، به دیوانگی مقطعی مرتکب قتل عمدی شود؛ یا مرتکب جرح شود حکم آنچه خواهد بود؟ آیا همانند شخص سالم قصاص می شود یا اینکه جنون وی سبب رفع مسؤولیت کیفری شده از مجازات قصاص معاف است. در این قسمت، به پاسخ سؤالات فوق، از دیدگاه فقهی مذاهب اسلامی و قوانین موضوعه ی هردو کشور پرداخته خواهد شد:

از دیدگاه حنفیه: «لا قصاص علی صبی و لا مجنون لأنهما غیر مکلفین بل تجب الدیة علی العاقل» (جزیری، ۱۴۱۷ ق، ج ۵، ص ۲۶۸)؛ صغیر و مجنون قصاص نمی شوند؛ زیرا مکلف نیستند بلکه دیه بر عاقله آنها واجب می شود.

ابن عابدین در حاشیه ردالمختار میگوید: «... و قد أدخل فی التعریف الحجر المنع عن الفعل كما ترى و دخل فيه نحو الزنا و القتل فی الصبی و المجنون فأنة محجور علیهما بالنسبة لحکمه و هو الحد و القصاص (ابن عابدین، ۱۴۱۵ ق، ج ۶، ص ۲۶۹)؛ در کل فقهای احناف معتقدند که هرگاه مجنون در حالت جنون خود دست به قتل نفس، یا جرح و یا قطع بزند، مجنون را قصاص کرده نمی‌شود؛ زیرا وی مکلف نیست؛ و مخاطب امرونی خداوند قرار نمی‌گیرد.

از دیدگاه شافعی و حنبله، «یسقط القصاص عن الصبی و المجنون لما روی عن الرسول (ص) أنه قال: رفع القلم عن ثلاث و إنما یسقط القصاص عن المجنون إذا كان جنونه مطبقاً لا یفیک منه اما المجنون المنقطع فینظر ان كان فی زمن افاقه فهو كالعقل الذی لا جنون به و ان كان الحادث وقع فی زمن جنونه فهو كالمجنون الذی لا أفاقه له (جزیری، ۱۴۱۷ ق، ج ۵، ص ۲۶۹)؛ قصاص از مجنون و صبی ساقط می‌شود، به دلیل حدیث که رسول الله (ص) فرمودند: «مسؤولیت از سه گروه برداشته شده است ... یکی از آن سه گروه، مجنون است که تا زمان افاقه مسؤولیت کیفری ندارد؛ قصاص زمانی از دمه مجنون ساقط می‌شود که در حین ارتکاب، او از قوه تمیز و ادراک برخوردار نباشد؛ و هرگاه اگر از قوه تمیز و ادراک برخوردار بود مانند شخص عاقل قصاص خواهد شد؛ وفقهای مذاهب اسلامی اتفاق نظر به این دارند که عاقل بودن قاتل در حین انجام جرم قتل شرط الزامی است؛ و عقل از جمله شرایط تحقق جرم و مجازات می‌باشد؛ یعنی مجرم در زمان انجام جرم، باید عاقل و بالغ باشد تا جرم ثابت و مجازات اعمال شود، هرگاه اگر مجرم در زمان انجام عمل خود از قوه عقل برخوردار نباشد، فاقد یکی از شرایط تحقق جرم و مجازات باشد جرم ثابت نمی‌شود و مجازات معینه اقامه نخواهد شد؛ و همچنین بحث در بابت قصاص در جنایت بر دون نفس نیز همانند قصاص نفس است و فرد مجنون در هیچ موردی قصاص نمی‌شود (جزیری، ۱۴۱۷ ق، ج ۵، ص ۲۷۰).

از جمله فقهای امامیه، مرحوم صاحب جواهر در بیان شروط قاتل در قتلی که موجب قصاص است یکی از شروط را کمال عقل دانسته و می‌فرماید: «الشرط الرابع کمال العقل فلا یقتل المجنون اجماعاً بقسمیه و نصوصاً عموماً کحدیث رفع القلم...» (نجفی، ۱۴۱۱ ق، ج ۴۲، ص ۱۷۷)، (شرط چهارم عاقل بودن قاتل است، قاتل مجنون به اجماع قصاص نمی‌شود؛ زیرا دلالت حدیث (رفع القلم) عام است...).

امام خمینی (ره) نیز در شروط معتبره فی القصاص شرط چهارم و پنجم را چنین بیان می‌کند: «العقل و البلوغ فلا یقتل المجنون سواء قتل عاقلاً أو مجنوناً» (خمینی، ۱۳۸۴ ش، ص ۹۱۲)؛ عاقل و بالغ بودن قاتل شرط است، مجنون و صبی قصاص نمی‌شوند؛ برابر است که مقتول شخص مجنون باشد یا عاقل؛ قاتل مجنون و صبی قصاص نمی‌شوند.

مرحوم محقق حلی نیز در شرائع همین عبارت را دارد:

شهید ثانی در شرح این جمله (الشروط المعتره فی القصاص: کمال العقل فلا یقتل المجنون سواء قتل مجنوناً أو عاقلاً و تثبت الدیه علی عاقلته) می‌افزاید: «من شرائط القصاص کون العاقل مکلفاً، فلا قصاص علی الصبی و المجنون لأن القلم مرفوع عنهما ...» (عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۲۵ ق، ج ۱۵، ص ۱۶۱) از جمله شرایط قصاص عاقل و مکلف بودن قاتل است، پس صبی و مجنون قصاص نمی‌شوند؛ زیرا آنها مرفوع القلم هستند.

دیدگاه فقهای امامیه در مورد قصاص جنایت بر دو نفس همانند دیدگاه فقهای اهل سنت است؛ یعنی حکم جنایت بر دون نفس همانند حکم جنایت نفس است در جنایت نفس که قاتل مجنون قصاص نمی‌شد در جنایت بردون نفس نیز قصاص نمی‌شود.

۴-۴. تأثیر جنون آنی بر حکم دیه

حالا اگر مجنون مرتکب قتل شبه عمد یا خطا شود، دیه را خود شخص مجنون پرداخت می‌کند یا این دیه جنایت مجنون را عاقله وی پرداخت می‌کند و یا اینکه دیه نیز مانند مجازات حدی از عهده شخص مجنون ساقط خواهد شد؟

در این قسمت به پاسخ سؤالات فوق از دیدگاه فقهای مذاهب اسلامی و قوانین موضوعه هردو کشور پرداخته خواهد شد:

ابوبکر کاشانی حنفی مذهب، اسلام، عقل و بلوغ را از جمله شرایط وجوب دیه نمی‌داند؛ و می‌نویسد: «فتجب الدیه سواء كان القاتل أو المقتول مسلماً أو ذمياً أو حربياً مستأمناً و كذلك العقل و البلوغ حتی تجب الدیه فی مال الصبی و المجنون» (کاشانی، ۱۴۰۹ ق، ج ۷، ص ۳۵۲)؛ دیه واجب است، خواه قاتل یا مقتول مسلمان، ذمی، یا حربی مستأمن باشد؛ و خواه قاتل یا مقتول، صبی باشد، یا مجنون، دیه بر مال شان واجب می‌گردد.

ابن عابدین حنفی مذهب، برخلاف ابوبکر کاشانی در کتاب خود چنین می‌نویسد: «و عمد الصبی و المجنون والعتهو خطأ بخلاف السكران و المغمی علیه، و علی عاقله الدیه» (ابن عابدین، ۱۴۱۵ ق، ج ۷، ص ۱۵۷)؛ عمد (صبی، مجنون و معتوه) در حکم خطأ است؛ و دیه جنایت صبی، مجنون و معتوه، به عهد عاقله آنها می‌باشد؛ به خلاف سکران و مغمی علیه.

حکم دیه‌ی دیوان مقطعی از دیدگاه احناف «وجنایات الصبی والمعتوه والمجنون عمدھا وخطوھا کلھا علی العاقله إذا بلغت خمسائة فإن كانت أقل من خمسائة ففي أموالهم»؛ دیه‌ی جنایات صبی، معتوه و مجنون چه عمدی باشد و چه خطایی بر عهده‌ی عاقله آنها است، وقتی مقدار دیه به پنج صد برسد و هرگاه اگر مقدار دیه کمتر از پنج صد باشد دیه از مال خودی صبی، معتوه و مجنون پرداخت می‌شود (سرخسی،

۱۴۲۱ ق، ج ۲۶، ص ۱۵۴). دلیل اول نظر سرخسی قضاوت حضرت علی (رضی الله عنه) روزی مجنونی را نزدی حضرت آوردند که کسی را به شمشیر به قتل رسانیده بود؛ و حضرت در مورد آن چنین حکم کردند: «بلغنا أن مجنونا سعی على رجل بسيف فضربه فرجع ذلك إلى على رضي الله عنه فجعله على عاقلته وقال عمد وخطؤه سواء»؛ دیه جنایت مجنون به عهده‌ی عاقله آن است؛ و عمد و خطا مجنون یکسان است (سرخسی، ۱۴۲۱ ق، ج ۲۶، ص ۱۵۴). امام شافعی هم در یک قول خود به همین نظر است. دلیل دیگری که سرخسی، به آن استناد می‌کند، عدم وجود قصد معتبر شرعی در مجنون و صبیان می‌باشد (سرخسی، ۱۴۲۱ ق، ج ۲۶، ص ۸۶).

حکم دیه دیوانه مقطعی، از دیدگاه مالکیه «الصبي الصغير المميز و المجنون يضمنان المال في مالهما و الدية على عاقله إن بلغت الثلث و إلا ففي مالهما» (ابوالبركات، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۴۳)؛ هرگاه دیه‌ی جنایات صغیر ممیز و مجنون، به ثلث کل دیه کامل نرسد، دیه از مال خودی آنها پرداخت می‌شود؛ و هرگاه دیه جنایات شان به ثلث کل دیه کامل برسد دیه به عهده عاقله آنهاست.

امام مالک در مورد (دیه) جنایات صبی و جنون می‌گوید: «قلت: رأيت الصبي و المجنون ما جنيا من عمد أو خطأ بسيف أو غير ذلك، أهو خطأ كله؟ قال: قال مالك: نعم تحمله العاقله إذا كان مبلغ الثلث فصاعدا، وإن كان أقل من الثلث ففي أموالهم، وإن لم يكن لهم مال كان ذلك دينا عليهم يتبعون به» (مالک، بی‌تا، ج ۴، ص ۶۳۰)، از امام مالک پرسیدند هرگاه صغیر قبل از بلوغ و مجنون قبل از افاقه، عمداً یا خطا کسی را به شمشیر بکشد حکم آنچه خواهد بود، امام مالک در پاسخ می‌گوید: هرگاه صبی قبل از بلوغ و مجنون قبل از افاقه، کسی را با شمشیر بکشد، دیه آنها به عهده عاقله آنها می‌باشد، به شرط که مقدار دیه، به ثلث کل دیه کامل برسد و اگر مقدار دیه به ثلث کل دیه کامل نرسد دیه را عاقله پرداخت نمی‌کند، بلکه از مال صبی و مجنون پرداخت می‌شود و اگر آنها مال نداشتند بالایشان دین است و باید پرداخت کنند؛ و عمد آنها خطا محسوب می‌شود.

فقهای شافعی، دیه جنایت عمدی صبی و مجنون را در مال خود آنان می‌دانند و می‌گویند: «فَأَمَّا جَنَايَةُ الْمَجْنُونِ وَالصَّبِيِّ فَثَابِتَةٌ عَلَيْهِمَا إِنْ لَمْ تَكُنْ بِقَوْدٍ»؛ و در پاسخ این سؤال که چرا دیه بر عهده عاقله گذاشته نمی‌شود ادامه می‌دهند: «فَإِنْ قَالَ فَقَتْلُ الصَّبِيِّ وَالْمَعْتُوهِ خَطَأٌ قِيلَ لَهُ هَذَا مُحَالٌ أَنْ تَزْعُمَ أَنَّهُ خَطَأٌ وَهُوَ عَمْدٌ وَلَكِنْ قَدْ كَانَتْ فِيهِمَا عِلَّةٌ يَمْنَعُ بِهَا الْقِصَاصُ»؛ پس اگر گفته شود که قتل صبی و معتوه خطا محسوب می‌شود در پاسخ این مدعی گفته شده که این محال است که عمد آنها خطا محسوب شود بلکه عمدی آنها عمد است اما علت دیگر وجود دارد مانع از قصاص آنها می‌شود (حاکم ابوعبدالله، ۱۴۱۱ ق، ج ۷، ص ۳۱۱)؛ برای مدعی خود چنین دلیل می‌آورند؛ هنگامی که پدری فرزندش را می‌کشد از مال خودش دیه را می‌پردازد چراکه به دلیل وجود مانع، قصاص از وی ساقط است و دیه به عهده عاقله نیست و در مورد صبی، مجنون و معتوه نیز همین گونه است.

شربینی در مورد عمد صبی و مجنون به شکل دقیق‌تر مورد بررسی قرار داده و بین حالتی که نوعی تمیز در صبی و مجنون وجود دارد با صبی و مجنون که هیچ‌گونه تمیزی ندارد، فرق قائل شده و بیان می‌دارد؛ واضح است کسی که تمیز ندارد فعل وی نیز عمد محسوب نمی‌شود و محل اختلاف در مجنون و معتوه است که نوعی قوه تمیز در آنها وجود دارد (شربینی، ۱۳۷۷ ق، ج ۴، ص ۱۰).

در کل شافعیان عمد مجنون را که نوع و مرتبه‌ای از تمیز را دارد عمد می‌دانند و عمد مجنونی را که هیچ‌گونه تمیزی ندارد را خطا می‌دانند.

فقهای حنابل، در مورد دیه جنایت مجنون می‌نویسند: «ما يلزم الصبي و المجنون فعلى عاقلتهما لأن عمدهما خطأ و العاقله تحمل جناية الخطأ إذا بلغت ثلث الدية و يلزم كل واحد منهما الكفارة في ماله»؛ صبی و مجنون اگر عمداً مرتکب جنایتی شوند، بازهم دیه به ذمه‌ی آنها نیست بلکه دیه جنایت آنها را عاقله‌ی شان حمل می‌کند، زیرا عمد آنها خطا محسوب می‌شود (ابن قدامه، ۱۴۰۵ ق، ج ۹، ص ۳۷۶)؛ و به آیه ۹۲ سوره نساء استناد می‌کنند، خداوند (ج) می‌فرماید: {... وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَأً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا... } [النساء: ۹۲] ترجمه: (... و کسی که مؤمنی را از روی خطا و اشتباه بکشد، باید یک برده مؤمن آزاد کند و خون‌بهایی به وارثان مقتول پرداخت نماید؛ مگر آنکه آنان خون‌بها را ببخشند ...).

درمجموع فقهای اهل سنت در مورد (صبی و مجنون) سه دیدگاه دارند: حنابل و برخی از فقهای احناف مانند (ابن عابدین) معتقد به این هستند که عمد صبی و مجنون در حکم خطا می‌باشد؛ و دیه جنایت آنها به عهده‌ی عاقله آنهاست؛ شافعیه و برخی از فقهای احناف مانند (سرخسی) قائل به تفکیک شده می‌گویند: در صورت عمد (صبی و مجنون) خطا محسوب می‌شود که آنها از هیچ‌گونه تمیزی برخوردار نباشند و مقدار دیه، بنا به نظر سرخسی باید به پنج صد برسد در این صورت عاقله آنها دیه را حمل خواهند کرد؛ و اگر کمتر از پنج صد باشد دیه از مال خود صبی و مجنون پرداخت می‌شود؛ و در صورتی که نداشت مال بالایشان دین است باید پرداخت کنند؛ امام مالک، دیه‌ی جنایت (صبی و مجنون) را زمانی بر عهده‌ی عاقله آنها می‌داند که به ثلث کل دیه کامل، برسد؛ و اگر کمتر از آن، باشد عاقله دیه را حمل نمی‌کند بلکه از مال خود (صبی و مجنون) پرداخت می‌گردد.

دیدگاه امامیه، در مورد دیه این است که دیه جنایت مجنون را عاقله وی می‌پردازند.

صاحب جواهر و امام خمینی در مورد دیه چنین میگویند: «دیه مالی است که به سبب جنایت کردن بر نفس یا عضو واجب می‌شود و فرقی نمی‌کند که از طرف شارع مقدار آن معلوم شده باشد یا نه و چه بسا دیه تنها بر مقداری که از سوی شارع معین شده است، اطلاق می‌شود و به آنچه معلوم نشده است، ارش و یا حکومت می‌گویند» (نجفی، ۱۳۹۶ ش، ج ۴۳، ص ۲؛ خمینی، ۱۳۹۲ ش، ج ۲، ص ۵۵۳). سید محمدجواد، عمد (صبی و مجنون) را در حکم خطأ دانسته می‌گوید: «عمد المجنون خطأ، کالصبی» (ذهنی تهرانی، ۱۳۶۶ ش، ج ۲۹، ص ۱۵)؛ عمد مجنون نیز همچون کودک خطا محسوب می‌شود وقتی عمد را در طفل غیر قابل تحقق دانستیم در مجنون به طریق اولی باید به آن ملتزم باشیم؛ و همچنین آقای ذهنی عاقل بودن جانی را در وجوب دیه نیز شرط می‌داند. محقق حلی، در مورد عقوبت جنایت مجنون چنین می‌نویسد: «فلا يقتل المجنون سواء قتل مجنوناً أو عاقلاً و تثبت الدية على عاقله» (محقق حلی، ۱۴۰۹ ق، ج ۴، ص ۹۹۰)؛ هرگز مجنون قصاص نمی‌شود، برابر است که مجنون، دیوانه دیگری را به قتل رسانیده باشد یا اینکه مجنون شخص عاقلی را به قتل رسانید باشد. به تأیید دیدگاه محقق حلی اما خمینی (ره) چنین می‌نویسد: «بلحق بالخطأ محضا فعل الصبی و المجنون شرعاً» (خمینی، ۱۳۹۲ ش، ص ۹۳۷)؛ فعل صبی و مجنون در شریعت خطایی محض محسوب می‌شود؛ و صاحب جواهر نیز همانند فقهای دیگر اهل تشیع، جنایات عمدی صبی و مجنون را در حکم خطأ دانسته، دیه جنایات آنها را بر عهده عاقله آنها می‌داند؛ و می‌گوید: «و جنایة الصبی و المجنون على العاقلته عندنا و إن تعمداً لأن عمدهما خطأ» (نجفی، ۱۳۹۲ ش، ص ۴۳۱). از فرموده‌های فقهای اهل تشیع می‌توان چنین نتیجه گرفت که عمد و خطأ مجنون یکسان است یعنی همان‌طور که فعل انجام شده از روی خطأ یا از روی اشتباه باشد مورد مؤاخذه و عقاب قرار نمی‌گیرد زیرا عمد مجنون در حکم خطأ می‌باشد و افعال و اقوال عمدی او منشأ هیچ اثری نیست نه اثر دنیوی و نه اخروی لذا اگر مرتکب قتل عمدی شود قصاص نمی‌شود و در صورتی که قتل شبه عمد و خطأ از او صادر گردد دیه از وی گرفته نمی‌شود و دیه جنایات وی به عهده عاقله آن می‌باشد.

۵-۴. تأثیر جنون آنی بر حکم دیه

حالا اگر مجنون مرتکب قتل شبه عمد یا خطا شود، دیه را خود شخص مجنون پرداخت می‌کند یا این دیه جنایت مجنون را عاقله وی پرداخت می‌کند و یا اینکه دیه نیز مانند مجازات حدی از عهده شخص مجنون ساقط خواهد شد؟ حکم دیهی دیوانه مقطعی از دیدگاه احناف «وجنایات الصبی والمعتوه والمجنون عمدتها وخطوها كلها على العاقله إذا بلغت خمسمائة فإن كانت أقل من خمسمائة ففي أموالهم»؛ دیهی جنایات صبی، معتوه و مجنون چه عمدی باشد و چه خطایی بر عهدهی عاقله آنها است، وقتی مقدار دیه به پنج صد برسد و هرگاه اگر مقدار دیه کمتر از پنج صد باشد دیه از مال خودی صبی، معتوه و مجنون پرداخت می‌شود (سرخی، ۱۴۲۱ ق، ج ۲۶، ص ۱۵۴). دلیل اول نظر سرخی قضاوت حضرت علی (رضی‌الله‌عنه) روزی مجنونی را نزدی حضرت آوردند که کسی را به شمشیر به قتل رسانیده بود؛ و حضرت در مورد آن چنین حکم کردند: «بلغنا أن مجنونا سعی على رجل بسيف فضربه فرغ ذلک إلى علی رضی الله عنه فجعله علی عاقلته وقال عمدہ وخطوه سواء»؛ دیه جنایت مجنون به عهدهی عاقله آن است؛ و عمد و خطأ مجنون یکسان است (سرخی، ۱۴۲۱ ق، ج ۲۶، ص ۱۵۴). امام شافعی هم در یک قول خود به همین نظر است. دلیل دیگری که سرخی، به آن استناد می‌کند، عدم وجود قصد معتبر شرعی در مجنون و صبیان می‌باشد (سرخی، ۱۴۲۱ ق، ج ۲۶، ص ۸۶). حکم دیهی دیوانه مقطعی، از دیدگاه مالکیه «الصبي الصغير المميز و المجنون يضمنان المال في مالهما و الدية على عاقله إن بلغت الثلث و إلا ففي مالهما» (ابوالبرکات، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۴۳)؛ هرگاه دیهی جنایات صغیر ممیز و مجنون، به ثلث کل دیه کامل نرسد، دیه از مال خودی آنها پرداخت می‌شود؛ و هرگاه دیه جنایات شان به ثلث کل دیه کامل برسد دیه به عهده عاقله آنهاست. امام مالک در مورد (دیه) جنایات صبی و جنون می‌گوید: «قلت: رأيت الصبي والمجنون ما جنيا من عمد أو خطأ بسيف أو غير ذلك، أهو خطأ كله؟ قال: قال مالك: نعم تحمله العاقله إذا كان مبلغ الثلث فصاعداً، وإن كان أقل من الثلث ففي أموالهم، وإن لم يكن لهم مال كان ذلك دينا عليهم يتبعون به» (مالک، بی‌تا، ج ۴، ص ۶۳۰). از امام مالک پرسیدند هرگاه صغیر قبل از بلوغ و مجنون قبل از افاقه، عمداً یا خطأ کسی را به شمشیر بکشد حکم آنچه خواهد بود، امام مالک در پاسخ می‌گوید: هرگاه صبی قبل از بلوغ و مجنون قبل از افاقه، کسی را با شمشیر بکشد، دیه آنها به عهده عاقله آنها می‌باشد، به شرط که مقدار دیه، به ثلث کل دیه کامل برسد و اگر مقدار دیه به ثلث کل دیه کامل نرسد دیه را عاقله پرداخت نمی‌کند، بلکه از مال صبی و مجنون پرداخت می‌شود و اگر آنها مال نداشتند بالایشان دین است و باید پرداخت کنند؛ و عمد آنها خطأ محسوب می‌شود.

فقهای شافعی، دیه جنایت عمدی صبی و مجنون را در مال خود آنان می‌دانند و می‌گویند: «فَأَمَّا جَنَايَةُ الْمَجْنُونِ وَالصَّبِيِّ فَثَابِتَةٌ عَلَيْهِمَا إِنْ لَمْ تَكُنْ بِقَوْدٍ» و در پاسخ این سؤال که چرا دیه بر عهده عاقله گذاشته نمی‌شود ادامه می‌دهند: «فَإِنْ قَالَ فَقَتْلُ الصَّبِيِّ وَالْمَعْتُوهِ خَطَأٌ قِيلَ لَهُ هَذَا مُحَالٌ أَنْ تَزْعُمَ أَنَّهُ خَطَأٌ وَهُوَ عَمْدٌ وَلَكِنْ قَدْ كَانَتْ فِيهِمَا عِلَّةٌ يُمْنَعُ بِهَا الْقِصَاصُ»؛ پس اگر گفته شود که قتل صبی و معتوه خطأ محسوب می‌شود در پاسخ این مدعی گفته شده که این محال است که عمد آنها خطأ محسوب شود بلکه عمدی آنها عمد است اما علت دیگر

وجود دارد مانع از قصاص آنها میشود (حاکم ابوعبدالله، ۱۴۱۱ ق، ج ۷، ص ۳۱۱)؛ برای مدعی خود چنین دلیل می آورند؛ هنگامی که پدری فرزندش را می کشد از مال خودش دیه را می پردازد چراکه به دلیل وجود مانع، قصاص از وی ساقط است و دیه به عهد عاقله نیست و در مورد صبی، مجنون و معتوه نیز همین گونه است.

فقههای حنبله، در مورد دیه جنایت مجنون می نویسند: «ما يلزم الصبي و المجنون فعلى عاقلتهما لأن عمدهما خطأ والعاقله تحمل جنایة الخطأ إذا بلغت ثلث الدية و يلزم كل واحد منهما الكفارة فى ماله»؛ صبی و مجنون اگر عمداً مرتکب جنایتی شوند، بازهم دیه به ذمه‌ی آنها نیست بلکه دیه جنایت آنها را عاقله‌ی شان حمل می کند، زیرا عمد آنها خطاً محسوب میشود (ابن قدامه، ۱۴۰۵ ق، ج ۹، ص ۳۷۶)؛ و به آیه ۹۲ سوره نساء استناد می کنند، خداوند (ج) می فرماید: {... وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَأً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا...} [النساء: ۹۲] ترجمه: (... و کسی که مؤمنی را از روی خطا و اشتباه بکشد، باید یک برده مؤمن آزاد کند و خون بهایی به وارثان مقتول پرداخت نماید؛ مگر آنکه آنان خون بها را ببخشند ...).

درمجموع فقههای اهل سنت در مورد (صبی و مجنون) سه دیدگاه دارند: حنبله و برخی از فقههای احناف مانند (ابن عابدین) معتقد به این هستند که عمد صبی و مجنون در حکم خطاً می باشد؛ و دیه جنایت آنها به عهده‌ی عاقله آنهاست؛ شافعی و برخی از فقههای احناف مانند (سرخسی) قائل به تفکیک شده می گویند: در صورت عمد (صبی و مجنون) خطاً محسوب میشود که آنها از هیچ گونه تمیزی برخوردار نباشند و مقدار دیه، بنا به نظر سرخسی باید به پنج صد برسد در این صورت عاقله آنها دیه را حمل خواهند کرد؛ و اگر کمتر از پنج صد باشد دیه از مال خود صبی و مجنون پرداخت می شود؛ و در صورتی که نداشت مال بالایشان دین است باید پرداخت کنند؛ امام مالک، دیه‌ی جنایت (صبی و مجنون) را زمانی بر عهده‌ی عاقله آنها می داند که به ثلث کل دیه کامل، برسد؛ و اگر کمتر از آن، باشد عاقله دیه را حمل نمی کند بلکه از مال خود (صبی و مجنون) پرداخت می گردد.

دیدگاه امامیه، در مورد دیه این است که دیه جنایت مجنون را عاقله وی می پردازند.

صاحب جواهر و امام خمینی در مورد دیه چنین می گویند: «دیه مالی است که به سبب جنایت کردن بر نفس یا عضو واجب می شود و فرقی نمی کند که از طرف شارع مقدار آن معلوم شده باشد یا نه و چه بسا دیه تنها بر مقداری که از سوی شارع معین شده است، اطلاق میشود و به آنچه معلوم نشده است، ارش و یا حکومت می گویند» (نجفی، ۱۳۹۶ ش، ج ۴۳، ص ۲؛ خمینی، ۱۳۹۲ ش، ج ۲، ص ۵۵۳).

محقق حلی، در مورد عقوبت جنایت مجنون چنین می نویسد: «فلا يقتل المجنون سواء قتل مجنوناً أو عاقلاً و تثبت الدية على عاقله» (محقق حلی، ۱۴۰۹ ق، ج ۴، ص ۹۹۰)؛ هرگز مجنون قصاص نمی شود، برابر است که مجنون، دیوانه دیگری را به قتل رسانیده باشد یا اینکه مجنون شخص عاقلی را به قتل رسانید باشد. به تأیید دیدگاه محقق حلی اما خمینی (ره) چنین می نویسد: «بلحق بالخطأ محضاً فعل الصبي و المجنون شرعاً» (خمینی، ۱۳۹۲ ش، ص ۹۳۷)؛ فعل صبی و مجنون در شریعت خطایی محض محسوب میشود؛ و صاحب جواهر نیز همانند فقههای دیگر اهل تشیع، جنایات عمدی صبی و مجنون را در حکم خطاً دانسته، دیه جنایات آنها را بر عهده عاقله آنها می داند؛ و می گوید: «و جنایة الصبي و المجنون على العاقلته عندنا و إن تعمداً لأن عمدهما خطأ» (نجفی، ۱۳۹۲ ش، ص ۴۳۱).

از فرموده‌های فقههای اهل تشیع می توان چنین نتیجه گرفت که عمد و خطاء مجنون یکسان است یعنی همان طور که فعل انجام شده از روی خطاء یا از روی اشتباه باشد مورد مؤاخذه و عقاب قرار نمی گیرد زیرا عمد مجنون در حکم خطاء می باشد و افعال و اقوال عمدی او منشأ هیچ اثری نیست نه اثر دنیوی و نه اخروی لذا اگر مرتکب قتل عمدی شود قصاص نمی شود و در صورتی که قتل شبه عمد و خطا از او صادر گردد دیه از وی گرفته نمی شود و دیه جنایات وی به عهده عاقله آن می باشد.

نتیجه گیری

پس از بررسی و تحلیل نتایج ذیل حاصل شد:

۱- فقههای مذاهب اسلامی از جنون تعاریف مختلف ارائه داده‌اند، در تمام تعاریف از جنون به عنوان زوال عقل و فقدان اراده، نام برده شده است؛ روان‌پزشکان، اختلالات روانی را، با وجود دو ملاک (توهم و هذیان) مصداق جنون آنی می‌دانند؛ و روانشناسان، جنون آنی را، بیماری وخیمی روانی می‌دانند که به واسطه آن جریان فکر، اندیشه، رفتار کردار، احساس و اعمال از راه صواب و عادی منحرف شود. در جمع بین نظرات (فقههای مذاهب اسلامی، روان‌پزشکان و روانشناسان) می‌توان گفت جنون آنی چه به عنوان زائل شدن عقل باشد و چه بیماری وخیم و چه اختلالات روانی که منجر به هذیان و توهم شود، در کل تعابیر مختلف و محتوا یکی است؛ همه تعابیر دلالت به زائل شدن عقل می‌کند.

۲- عاقل بودن یکی از شرایط عامه تکلیف است، در صورت نبودن آن، رافع تکالیف و مسئولیت از عهده مکلف است، در باب مجازات حدّی نیز همین بحث مطرح است که جنون آنی باعث سقوط آن مجازات می‌شود؛ بین جنون (دائمی، ادواری و آنی) در حکم فرقی وجود ندارد، پس اجرای کردن مجازات حدّی بر دیوان لحظه‌ای امری بدون فایده است، زیرا مجنون مورد خطاب امرونی شارع مقدس قرار نمی‌گیرد؛ به اساس حکم حدیث رفع، مجازات از عهده‌ی مجنون ساقط می‌شود.

۳- یکی از شرایط اقامه مجازات تعزیری عاقل بودن مرتکب است، در صورت تحقق آن، مجازات بر شخص جانی اجرا می‌شود؛ در صورت عدم تحقق آن شرط مجازات تعزیر نیز همانند مجازات حدّی از جانی مجنون ساقط می‌شود؛ مجنون قصاص نمی‌شود؛ با این تفکیک، اگر حالت دیوانه مقطعی توسط متخصص خطرناک ثابت شود و آزاد بودن وی محل نظم و امنیت عمومی تلقی شود، به دستور دادستان تا رفع حالت خطرناک در محل مناسب نگهداری می‌شود، دیه و کفاره جنایت وی را، عاقله وی عهده دار است.

فهرست منابع

الف: منابع عربی

قرآن کریم

- ۱- ابن عابدین، محمدامین، ردالمختار علی الدرالمختار، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
- ۲- ابن قدامه، عبدالله بن احمد، المغنی فی فقه الإمام احمد بن حنبل الشیبانی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۵ ق.
- ۳- //، //، الشرح الكبير علی متن المقنع، بی جا: دارالکتب العربی، بی تا.
- ۴- ابن قدامه، محمد بن عبدالله، المغنی علی مختصر الخرقی، بی جا: مطبعة المنامة، بی تا.
- ۵- ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی، لسان العرب، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
- ۶- ابوالبرکات، احمد دردير، الشرح الكبير، بیروت: دارالکتب العربیه، بی تا.
- ۷- ابوعبدالله، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، محقق: مصطفی، عبدالقادر، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق.
- ۸- ازدی، ابوبکر محمد بن الحسن، جمهره اللغة، تحقیق رمزی بعلبکی، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۹۷۹ م.
- ۹- ازوجندی، منصورین عبدالعزيز، فتاوی قاضی خان، بیروت: دارالکتب العربی، بی تا.
- ۱۰- الامام الخمينی، روح الله، تحرير الوسیله، قم: مکتبه العلمیه الاسلامیه، مکتبه الاعتماد، ۱۴۲۰ ق.
- ۱۱- امیر بادشاه الحنفی، محمد امین بن محمود، تیسیر التحرير، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۷ ق.
- ۱۲- بخاری، محمد بن اسماعیل، الجامع المسند الصحیح المختصر من أمور رسول الله صلی الله علیه وسلم وسننه وأيامه «صحیح البخاری»، محقق: محمد زهير بن ناصر الناصر، بی جا: دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ ق.
- ۱۳- بهوتی، منصور بن یونس، كشف القناع عن متن الاقناع، محقق: محمد امین، بیروت: عالم کتاب، ۱۹۹۷ م.
- ۱۴- تفتازانی، سعد الدین مسعود بن عمر، شرح التلویح علی التوضیح، قاهره: مکتبه صبیح، بی تا.
- ۱۵- جدید عنزی، عبدالله بن یوسف، تیسیر علم اصول الفقه، بیروت: مؤسسه الریان، ۱۴۱۸ ق.
- ۱۶- جزیری، عبدالرحمن، الفقه علی مذاهب الأربعه، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۱ ق.
- ۱۷- حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۳ ق.
- ۱۸- خوئی، سید الوالقاسم، مبانی تکملة المنهاج، قم: مؤسسه إحياء آثار الامام الخوئی، ۱۴۲۸ ق.
- ۱۹- زحیلی، وهبه، اصول الفقه الاسلامی، دمشق: دار الفکر، ۱۴۰۶ ق.
- ۲۰- //، //، الفقه الإسلامی وأدلته، //، بی تا.
- ۲۱- //، //، الفقه المالکی المیسر، بیروت: دارالکلم الطیب، ۱۴۲۳ ق.
- ۲۲- زرقانی مصری، عبد الباقي بن یوسف احمد، شرح الزرقانی علی مختصر خلیل، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ ق.
- ۲۳- سرخسی، شمس الدین ابوبکر محمد بن ابی سهل، المبسوط للسرخسی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۱ ق.
- ۲۴- سیوطی، جلال الدین، الاشباه والنظائر فی القواعد وفروع الشافعیه، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق.
- ۲۵- شافعی، أبو عبدالله محمد بن أدريس، الأم - للشافعی، بیروت: معرفه، ۱۴۱۰ ق.
- ۲۶- شربینی، شمس الدین محمد بن احمد، مغنی المحتاج الی معرفه معانی الفاظ المنهاج، مصر: مکتبه مصطفی، ۱۳۷۷ ق.
- ۲۷- شهید اول، محمد بن مکی، المعه الدمشقیه، قم: منشورات دارالفکر، ۱۴۱۱ ق.
- ۲۸- شهید ثانی، زین الدین بن علی العاملی، مسالك الافهام إلی تنقیح شرائع الاسلام، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۲۵ ق.
- ۲۹- شیخ نظام و جماعة من علما الهند، الفتاوی الهندی، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۹۸۰ م.
- ۳۰- عاملی، علی بن احمد، المعروف بالشهیدالثانی، الروضه البهیة، قم: منشورات جامعه النجف الدینیة، ۱۴۱۹ ق.
- ۳۱- عوده، عبدالقادر، التشریع الجنائی الإسلامی مقارناً بالقانون الوضعی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۶ ق.
- ۳۲- قرافی، احمد بن ادريس، الفروق، محقق: محمد سراج، علی جمعه محمد، قاهره: دارالاسلام، ۲۰۰۱ م.
- ۳۳- قیروانی، ابی الحسن بن ابی زید، الفواکه الدوانی علی رساله بن ابی زید القيروانی، بیروت: دارالفکر، بی تا.
- ۳۴- مالک بن أنس بن مالک بن عامر، المدونه الكبرى، محقق: زکریا عمیرات، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا.
- ۳۵- محقق حلی، نجم الدین جعفر بن الحسن، ابوالقاسم، شرائع الاسلام، قم: مؤسسه المطبوعات الدینیة، ۱۴۰۹ ق.
- ۳۶- مصطفی، ابراهیم و آخرون، المعجم الوسیط، تحقیق مجمع اللغة العربیه، قاهره: دار الدعوة، بی تا.
- ۳۷- نراقی، احمد بن مهدی، عوايد الأيام، تحقیق مرکز ابحاث والدراسات الاسلامیه، قم: مرکز النشر التابع المکتبه الاعلام الاسلامیه، ۱۴۱۷ ق.

ب: منابع فارسی

- ۱- اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۸ ش.
- ۲- ارفع، فلورا و صمدی راد، بهرام و عابدی خوراسگانی، محمدحسن قادری پادشاه، مسعود و قدوسی، آرش، پزشکی قانونی برای وکلا، حقوقدانان، و دانشجویان حقوق، تهران: مرکز تحقیقات پزشکی قانونی، ۱۳۹۴ ش.
- ۲- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.
- ۳- ذهنی تهرانی، محمدجواد، المباحث الفقهیه فی شرح البهیة (فقه استدلالی)، قم: نشر وجدان، ۱۳۶۶ ش.
- ۴- گودرزی و کیانی، پزشکی قانونی، تهران: نشر انیشتین، ۱۳۸۶ ش.
- ۵- معزی ملایری، اسماعیل، جامع أحادیث الشیعه، قم: نشر مهر، ۱۳۷۳ ش.
- ۶- نجفی، علیرضا، جنون در حقوق کیفری ایران، تهران: نشر مهر کلام، ۱۳۹۶ ش.
- ۷- //، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۲ ش.